



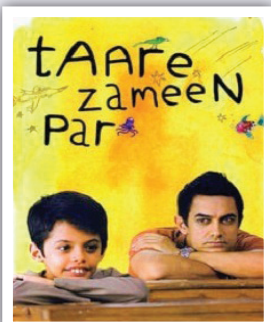
بهترین سال‌های زندگی ما

سهام بالیوود



شاپور عظیمی

به‌طور طبیعی سپینمای «مین استریم» بالیوود، ماهیتاً نمی‌توانست سهم چشمگیری در ساختار جشنواره فجر و بخش‌های خارجی آن داشته باشد. دلیل آن صرفاً تفاوت‌های فرهنگی، پوشش، موسیقی و رقص نبود، چرا که این عناصر امکان «کنترل» داشتند. شاکله اصلی سینمای بالیوود با هزاران سربشیم به تفکر گردانندگان جشنواره قابل اتصال نبوده و نیست؛ فیلم‌های مین استریم در بالیوود به قصد پسند مخاطبان ساخته می‌شوند و نه پسند صاحبان و داوران جشنواره‌هایی که می‌خواستند چرخ را دوباره اختراع کنند. بنا بر این هر سال با نام فیلم‌هایی در جشنواره بر خورد داشتیم که مهجور و مهجورتر می‌شدند. این در بر همین پاشنه چرخید و هرگز «صاحبان دوره‌ای» جشنواره، نتوانستند و نخواهند و خواه در خشان آثاری مانند خراج (۲۰۰۱) با بازی و تهیه‌کنندگی عامر خان (همان امیر خان خودمان!) را دریابند که همان سال نماینده هند در اسکار بود. به‌ناچار فیلم‌های ناشناخته و «بدنه‌ای» سینمای هند در جشنواره ما جاخوش کردند. به‌هر حال برای ما تماشای آثاری مانند «چونان ستاره روی زمین» (۲۰۰۷) روی پرده بزرگ غنیمتی بود. یا «جودا اکبر» (۲۰۰۸) که ۲ تن از بازیگران سرشناس بالیوود را در خود داشت. اما اینها عمومیت نداشت و هر ساله تعدادی فیلم مهجور (از نظر ماسا طرفداران پیگیر سینمای بالیوود) در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و گاه جایزه هم برد و مانند کارگردانی خوشحال و حیرت‌زده به نام جای شانکار سازنده فیلمی به نام «شیوانا» باور نداشتند فیلم‌شان اینجا نمایش داده شود و از این بابت در پوست خودشان نمی‌گنجیدند، حتی خبرهای حاشیه‌ای مانند آمدن آمیتابا باچان (که آخرش هم نفهمیدیم صحت داشت یا به تنور داغ جشنواره‌ای مربوط می‌شد) دردی از سینمای هند در جشنواره فیلم فجر دو نکرد. عاقبت ما ماندیم و خیل آثار مین استریم سینمای هند در فضای مزاجی یا (همان مجازی) که «خال» به آنها نیفتاده و فیلم‌های هندی در دوره‌های مختلف که همزیستی مسالمت‌آمیز را به ما هم یاد داد.



چونان ستاره روی زمین (۲۰۰۷)



هادی حجازی فر در جشنواره امسال با فیلم «ناتور دشت» (محمد رضا خردمندان) حاضر است.



اعلام، اتفاق و اثبات هادی حجازی فر در کمتر از یک دهه

# نام تمام بازیگرانی که نمی‌شناسیم هادی است



علیرضا محمودی

امکان برای حضور در بالاترین رده بازیگری سینمای ایران را داشت. این اتفاق اگر با همه احتمالات ممکن برای شخص دیگری می‌افتاد، شاید فیلم و سریال ایرانی بعد از فیلم اول مهدویان که با بازیگر دیگری ساخته می‌شد، صاحب نام و راه و کارنامه دیگری می‌شد. بدون شک تداوم موفقیت حجازی فر مدیون استعداد پرورش یافته او در دوران پرکاری ساکتش در صحنه و پشت صحنه تماشاخانه‌های

هادی حجازی فر پدیده تازه بازیگری صنعت سرگرمی ایرانی است. او طی ۹ سال بعد از نخستین حضورش در سینما در یک تلفیق مستندنمایانه زندگی‌نامه‌ای از زندگی یکی از سرداران دفاع مقدس، حالا انتخاب بسیاری از پروژه‌های سینمایی و تلویزیونی و شبکه نمایش خانگی برای ایفای انواع نقش‌هاست. حجازی فر از زمان حضورش خود را در همه عرصه‌های ممکن بازتعریف کرد. با هر معیاری محصولات دوره ۹ ساله حجازی فر ممتاز بوده است.

در یک پروژه فیلم - سریال تلویزیونی که همه نوع موفقیتی در ابعاد مختلف را پشت سر گذاشت، بازیگر و کارگردان بود. در یک فیلم روشنفکرانه با زبان بومی به کارگردانی یک ستاره دهه ۷۰ نقش محوری داشت. در ۲ فیلم بحث‌برانگیز تاریخ انقلاب بازی‌اش برجسته شد. با سمت دبیر، جشنواره عروسکی برگزار کرد. بازیگر محبوب پریننده‌ترین تریلری شد که مجموعه شبکه نمایش خانگی رو کرده و همین چندماه پیش در یک فیلم کم‌دی سطح بالا در کنار کم‌دین‌ها جای خوبی برای خودش دست و پا کرد. در حالی این موفقیت‌ها را برای او فهرست می‌کنیم که به گفته خودش ۱۰ سال پیش برای دیدن فیلم‌های جشنواره با هویت عکاسی ناشناخته وارد برج میلاد می‌شد. او در این ۱۰ سال همچون سرگنگی بوبکا قهرمان افسانه‌ای روس‌ها در پرش با نیزه بلندترین اوج‌گیری ممکن برای بازیگر معاصر را رقم زد؛ از یک نقش تا نامی پرتکرار میان فهرست‌هایی که عوامل گروه کارگردانی برای بازی در نقش‌های اصلی پروژه‌ها فراهم می‌کنند. در تنوع انواع کلاس‌های بازیگری به‌نظر می‌رسد تدریس روش موفقیت هادی حجازی فر می‌تواند سر فصلی برای یک دوره باشد. در این دوره به هنرآموزان توصیه خواهد شد که همه چیز نه استعداد است، نه پشتکار و نه حتی دانش. همه لوازم مورد نیاز در بازیگری وقتی به کار می‌آید که شما در زمان مناسب و در مکان مناسب قرار بگیرید؛ اتفاقی که سهم هنرمند در ایجاد آن از اندک هم اندک‌تر است.

با یک گول ساده می‌توانید داستان انتخاب هادی حجازی فر برای بازی در نقش احمد متوسلیمان را بخوانید. او پیش از این انتخاب که به‌خاطر آشنایی با یکی از عوامل روی می‌دهد، کمترین

خوی و تهران است، اما شانس بی‌رحم است و بزرگوار صدها قربانی و یک پادشاه برجامی گذارد، اما شانس فقط یک درجه بیشتر نیست. کسی با شانس ۱۰ سال در اوج نمی‌ماند. حجازی فر از همان چشمه آبی جوشیده که سال‌هاست سینمای ایران را جرعه‌جرعه سیراب می‌کند. او مانند نام‌هایی از نسل‌های قبل از خود که به بازیگری وارد شده‌اند اعتبار خود را از پشتوانه غنی تئاتر ایرانی می‌گیرد. تفکری، نصیریان، زنجانی‌پور، کیانیان و حالا حجازی فر همه نمونه‌هایی از واردات سینما از تئاتر هستند.

برخلاف ستارگان که با درخشش در ورزش و نقش‌های کم‌اهمیت خودشان را آهسته آهسته به سردر سینما می‌رسانند، بازیگران نمایش پیشه یکباره خود را اثبات می‌کنند. همه مهابت انتظامی و ظرافت در نصیریان در گاو و هالو عرضه می‌شود. کافی است مهرجویی پیدا شود که برای گریز از جریان انتخاب متن و بازیگر استودیوهای پایتخت راه دیگری برای ساخت فیلم پیشه کند.

اینجا می‌توان دوره دیگری برای تدریس توسط هادی حجازی فر پیشنهاد داد. او در ۱۰ سال اول بازیگری و کارگردانی در فیلم و سریال با در نظر گرفتن چند انتخاب به سرانجام رسیده، مانند سریال پا در هوایی چون داریوش، اغلب انتخاب‌های درستی از خود به نمایش گذاشته؛ انتخاب‌هایی که هم برایش تمایز و هم شهرت به همراه داشته. با فیلم نیکی کریمی تفاوت کارش را نشان داد و با سریال برادران محمودی محبوب القلوب شد. ستارگان سینمای ایران مانند فوتبالیست‌ها قانونی دارند که طبق آن تا وقتی جوانند و طرفدار دارند به هیچ پیشنهاد جاقی نه نمی‌گویند، اما بازیگران تئاتر پیشه منتظر نقش‌هایی می‌مانند که بتواند سوی تازه‌ای از هنر آنها را ارائه کند. حجازی فر این توانایی و امکان را دارد که نقش مناسبی برای خودش بسازد؛ امکانی که باز تجربه‌های تئاتری آنها را پخته می‌کند.

این رسم هنرمندان قدیم بود؛ سال‌ها روی خویش کار می‌کردند تا اتفاق بزرگ بیرون از خودشان بیفتد. شاید مهم‌ترین دستاورد هادی حجازی فر برای بازیگری سینمای ایران توصیه خودش باشد به آنهایی که در صف طویل خاکستری شهرت در غبار زنبیل گذاشته‌اند؛ هیچ تلاش صادقانه برای نوسازی توانایی‌های فردی بی‌پاسخ نمی‌ماند، حتی اگر در صحنه نمایش‌های دبیرستانی شهرستان خوی از توابع استان آذربایجان شرقی باشد.

